خراسان بزرگ: سال هفتم، شماره (۲۵)، زمستان ۱۳۹۵
Scientific Research Journal Of Great Khorasan: Vol.7, No.25, Winter 2017

مطالعه تطبیقی طرح و نقش در فرش‌های محرابی دوره صفویه و قاجار

محمدامین حاجی‌زاده[۱]
علی‌رضا خواجه احمد عطاری[۲]
مریم عظیمی‌نژاد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶
شماره صفحات: ۷۲-۵۱

چکیده

فرش ایرانی از دیرباز جلوه‌ای از هنر و تمدن ایرانی و تجلی‌گاه تخیلات و آفرینندگی هنرمند ایرانی بوده است. طرح محرابی از طرح‌هایی است که ریشه در آیینی کهن و باستانی دارد، خصوصاً پس از اسلام مورد توجه قرار گرفته است. نقشه محرابی در ایران به شکل‌های مختلف بافته‌شده و درون آن را به صدها طریق آراسته‌اند. مضمون در خلق قالی‌های محرابی به‌عنوان یک هنر سنتی-آیینی، علی‌رغم سبک‌های مختلف اجرا، همواره ثابت است، از طرفی آرایه‌ها و تزئینات که مؤلفه‌های لازم و اصلی طرح محرابی محسوب می‌شوند باعث تنوع و بروز گونه‌های متفاوت در این طرح شده‌اند. بررسی ویژگی‌های طرح محرابی، خصوصاً در دوره صفویه و قاجار از اهداف اصلی این پژوهش است. و بر این اساس پرسش‌های زیر مطرح است؛

- ویژگی‌های ساختاری طرح فرش محرابی دوره صفویه و قاجار چیست؟
- آیا می‌توان معیارهای مشترک و متفاوتی از نظر طرح و نقش برای فرش‌های محرابی صفوی و قاجار تعریف کرد؟

این مقاله به تحلیل و تطبیق ساختار طرح در فرش‌های محرابی دوره‌های صفوی و قاجار و شناخت وجوه اشتراک و افتراق این طرح در دو دوره مذکور پرداخته و از این رهگذر تغییراتی که در طرح محرابی به وجود آمده را بررسی کرده است. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی بوده و گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بر اساس نتایج پژوهش مشخص شد که به‌طورکلی ویژگی فرش‌های محرابی دوره صفویه، متأثر از هنر فرش‌بافی این دوران است و چهارچوب کلی هنر فرش‌بافی دوره صفوی حفظ شده است. پس از دوره صفویه نیز، در دوره قاجار بافت فرش محرابی با حفظ کلی ساختار فرش‌های محرابی صفوی ادامه یافت. تطبیق و مقایسه طرح‌های محرابی دوره صفوی و قاجار نشان از تنوع بیشتر در طرح، فرم و نقوش تکمیلی متن فرش‌های محرابی قاجار دارد. همچنین در دوره قاجار گرایش جدید طبیعت‌گرایی، در طرح‌پردازی فرش نیز منجر به بروز مضامین تازه و نقش‌مایه‌های متنوع در فرش ایران شد و تنوع طرح محرابی در این دوران را رقم زد.

واژگان کلیدی: فرش، طرح محرابی، دوره صفویه، دوره قاجار.

۱ . مربی. عضو هیئت‌علمی دانشگاه بیرجند. Ma.hajizadeh@birjand.ac.ir
۲ . استادیار. عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر اصفهان. A.attari@aui.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان. Maryam.aziminezhad@gmail.com

مقدمه

فرش به‌عنوان یک هنر ایرانی، جایگاه ویژه‌ای در بین هنرهای ایرانی و اسلامی دارد. پژوهش در فرش همواره این حقیقت را آشکار می‌کند که فرش و هنر و زندگی با هم آمیخته‌اند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که طرح و نقش فرش از مسائل اصلی و مورد توجه هنرمند ایرانی بوده و فرش صرفاً به‌منظور زیراندازی کاربردی بافته نشده و زیبایی و جلوه بصری نیز همپای کارایی آن مورد توجه بوده است. در دوران مختلف، گرایش به استفاده از طرح‌ها و نقوش مختلف در فرش مرسوم بوده و به‌مرور بر غنای طرح و نقش فرش ایرانی افزوده شده است. از سویی می‌توان سیر تحول طرح در فرش را از طرح‌های شکسته و هندسی تا طرح‌های گردان دنبال کرد و از سوی دیگر به زیبایی‌شناسی هنری ایرانی در طول تاریخ نگریست و گرایش ذهنی طراحان و طبع هنری زمانه را جستجو کرد، دوری و نزدیکی به طبیعت، و انتزاع و تجریدسازی در دوره‌های مختلف دغدغه هنرمندان بوده و یا رسم معهود روزگار شده است. در مجموعه طرح‌های فرش ایرانی همواره طرح‌هایی وجود دارند که نمادی از آیین، رسوم و اعتقادات‌اند و یا نشانه‌ای از دنیای مادی هستند.

طرح محرابی ریشه در آیین مهر[۱] دارد، رواج طرح محراب بر روی فرش نشانه علاقه مردم ایران به این آیین بوده، به طوری که پس از تغییر مذهب نیز نمادهای مهم و اساسی آن را روی هنر غیررسمی ایران نگه داشتند و نقشه محرابی بر روی فرش و بناها شکل گرفت و باقی ماند (حصوری،۵۶:۱۳۸۹). محراب در معماری اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفت و پس از اسلام در معماری ایران بروز یافت. در سفرنامه‌های تاریخی اطلاعات مختصری در مورد فرش‌های محرابی در دوره‌های مختلف اسلامی آمده است و در آن‌ها اشاره‌هایی هرچند مختصر به این‌گونه دستبافته‌ها شده که در شهرهای مختلف تولید می‌شده است. در برخی از نگاره‌های دوره تیموری، می‌توان طرح محراب را بر برخی دست‌بافت‌های درون تصویر مشاهده کرد اما بیش‌ترین اطلاعات موجود در مورد فرش‌های محرابی از عصر صفویان است (کمندلو،۲۱:۱۳۸۸). با فراگیر شدن دین اسلام، طرح محرابی بیش از آن که نشانی از آیین مهر باشد، جایگاهی برای بروز نمادهای دینی و تجلی عناصر اسلامی شد. نقشه محرابی در ایران به شکل‌های مختلف بافته‌شده، محراب را به شکل‌های گوناگون در آورده و درون آن را به صدها طریق آراسته‌اند. کتیبه در فرش محرابی، جایگاهی برای بروز مضامین دینی و آیات، روایات و احادیث است و از این طریق، طرحی در فرش پدید آمد که متمایز از گونه‌های دیگر و طرحی شاخص در دین اسلام است. به طور مشخص از دوره صفویه و با رشد کمی و کیفی هنر فرش‌بافی به‌عنوان یک هنر برتر، فرش‌های بسیاری با طرح محرابی بافته‌شده است که نمونه‌های برجای‌مانده از این دوران گویای این ادعاست. فرش محرابی با ویژگی‌های شاخص خود، تا دوران معاصر، متأثر از هنر فرش‌بافی دوران بافته شده است. این‌گونه طرح‌ها در مناطق مختلف بافته شده است، که عمده‌ی آن، شمال غرب ایران و مناطقی از ترکیه است. علی‌رغم وجود عناصر مشترک و ثابت در طرح محرابی، نقش‌پردازی مختلف منجر به بروز گونه‌های متنوع و متفاوت شده است. در این پژوهش پس از پرداختن به پیشینه طرح و مباحث متناظر، ویژگی‌های شاخص طرح در فرش‌های محرابی دو دوره صفوی و قاجار بررسی می‌شود. پس از تحلیل ساختار نمونه‌های متداول هر دوره، شمای کلی از طرح‌های محرابی دوره صفوی و قاجار به دست می‌آید. همچنین بر اساس تطبیق طرح محرابی در دو دوره صفویه و قاجار، نقاط اشتراک و افتراق طرح بررسی شده و نتایج تطبیق در بخش پایانی به تفکیک طرح کلی، فرم و نقش‌مایه‌های رایج ارائه شده است. هدف از این پژوهش شناخت، تحلیل و تطبیق فرش‌های محرابی در دوران صفویه و قاجار است.

روش پژوهش

در این پژوهش به‌منظور دستیابی به اطلاعاتی جامع و نتایجی راهگشا از روش توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده است. از این منظر با بررسی تصویری طرح‌ها به تحلیل ویژگی‌های آنان پرداخته شده است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، تهیه تصاویر از منابع مختلف و در مواردی بازدید از موزه‌های داخلی و مصاحبه بوده و تنظیم داده‌ها از طریق جداول و نمودارها و تطبیق عناصر بوده است. نمونه‌گیری این پژوهش بر اساس موارد موجود در موزه‌های ایران و همچنین چند موزه خارجی است که دسترسی به تصاویر آنان از طریق اینترنت امکان‌پذیر بوده است. در مجموع حدود ۵۰ نمونه از فرش‌های محرابی دوره صفویه و ۷۰ نمونه از فرش‌های محرابی دوره قاجار، شناسایی، بررسی و

---

۱. مهر یا میترا خدای مهمی در تاریخ بسیاری از کشورهای مختلف در ادوار گوناگون بوده است. پرستش او در غرب تا انگلستان و در شرق تا هند گسترش داشته است. تجلی آئین مهر در هنر به اشکال گوناگون آمده است و همچنین طرح‌ها و آرایه‌های بسیاری را نیز به این آئین مرتبط دانسته‌اند، طرح محرابی را نیز همچون طرح هراتی، ماهی درهم، طرح دوستکامی و... برگرفته از آیین مهر می‌دانند.

دسته‌بندی شد و از هر دوره ۲۱[۱] نمونه شاخص به‌عنوان جامعه آماری انتخاب و تحلیل و تطبیق بر این اساس صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در مورد فرش‌های محرابی دوران صفوی و قاجار درباره مفاهیم و یا کاربرد آنان و بیشتر ناظر بر ماهیت این‌گونه فرش‌ها است و کمتر به فرم و نقش‌پردازی آن‌ها اشاره شده است. همچنین بیشتر پژوهش‌ها به مسائل و مواردی همچون ویژگی‌های طرح محرابی و منشأ و پیشینه آن پرداخته‌اند. در این خصوص چند منبع قابل‌ذکرند؛

– اتینگهاوزن (۱۹۷۴) در کتاب "Prayer Rugs" علاوه بر توصیف انواع فرش‌های محرابی، حدود ۵۰ نمونه از این گونه فرش‌ها را معرفی و بررسی نموده است.

– کمندلو (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "نگاهی به قالی‌های محرابی موزه فرش آستان قدس مشهد" به پیشینه فرش‌های محرابی پرداخته و به‌خصوص فرش‌های محرابی موجود در موزه فرش آستان قدس رضوی مشهد را بررسی کرده است.

– تختی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان"بررسی و تحلیل هندسی فرش‌های محرابی دوره صفویه" علاوه بر اشاره به پیشینه فرش‌بافی در دوره صفویه، فرم و ترکیب‌بندی فرش‌های این دوره را تحلیل نموده است.

– تنهایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "انعکاس مفاهیم نماز در فرش‌های محرابی دوره صفویه و قاجار" به بررسی نماز و مفاهیم متناظر فرش‌های مورد نظر پرداخته و خصوصاً نمونه فرش‌های دو دوره را بررسی کرده است.

– وندشعاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "تجلی مفاهیم و تفاسیر قرآنی در طرح قالی‌های محرابی دوره قاجار" شاخصه‌های دینی متجلی در طرح‌های محرابی دوره قاجار را شناسایی و مورد تحلیل قرار داده است.

در منابع فوق هرچند به طرح محرابی و مباحث متناظر پرداخته شده، اما کمتر اشاره‌ای به ویژگی‌های طرح در دوره‌های مختلف به‌خصوص دوره صفوی و قاجار شده است، همچنین مطالعه تطبیقی طرح در دو دوره مذکور که از اهداف این مقاله است در منبعی نیامده و کمتر به این موارد پرداخته شده است. پژوهش حاضر به شناسایی و تحلیل نقش و طرح فرش محرابی در دوران صفویه و قاجار پرداخته است و با مطالعه و تطبیق نمونه‌های موجود، شمای کلی طرح‌پردازی در فرش محرابی این دوره‌ها ترسیم شده است.

هویت گونه‌های طرح محرابی

در فرهنگ اسلامی محراب دروازه‌ای است به‌سوی عالم قدسی، که حال و هوای انسان را در برخورد با خود متغیر می‌دهد و در فرهنگ‌های دیگر همچون مسیحیت نیز سمبل مکان قدسی است. محراب در تفکر دینی آستانه‌ای است که انسان را از فضایی ساده به فضایی قدسی رهنمون می‌شود و این خصوصیت درگاه و آستانه، در معماری ایران است که هر در، مجازاً بسان پرده‌ای است که می‌بایست کنار زده شده و با عبور از آن به باطنی قدسی راه یافت. محراب در فرش ایران حکم همان آستانه را دارد (بورکهارت،۱۳۸۷: ۷۱). با وجود آنکه نقش محراب در دوران قبل از اسلام نیز رواج داشته، اما در دوران اسلامی به‌عنوان یک نماد مذهبی مهم به‌کار گرفته شده است. قدیمی‌ترین فرش‌های محرابی، همان سجاده‌ها یا جانمازها هستند. سجاده‌ها و صف‌ها[۲] جهت گستردن در فضای مساجد بافته می‌شدند. بررسی‌های تاریخی روشن می‌سازد که کاربرد اولین فرش‌های پرزدار با نقش محرابی به قرن ۱۶ میلادی بازمی‌گردد و ظاهراً این‌گونه فرش‌ها از ایران نشأت گرفته‌اند و به‌مرورزمان به واسطهٔ مراودات فرهنگی و سیاسی، به کشورهای دیگر نیز راه‌یافته‌اند (پوپ،۱۳۸۷: ۲۶۷۹). فرش‌های محرابی در گونه‌های مختلف طبقه‌بندی شده‌اند اما از دید کلی می‌توان دو نوع اصلی فرش محرابی را به طور کلی متمایز کرد:

الف) محرابی سجاده‌ای: این گروه از فرش‌ها دارای ابعاد کوچک (۱۲۰×۸۰ و ۱۵۰×۹۰ سانتیمتر) هستند و به عنوان سجاده‌ی نماز مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از آیات قرآنی و احادیث در این گروه مرسوم است و انباشتن فضای دو طرف طاق محراب با متون متعدد معنوی، حائز اهمیت ویژه‌ای است زیرا نمازگزار در همان حال که مشغول نماز و تفکر و تدبر است، از ملاحظه‌ی آیات و احکام الهی روحش تازه شده و در صورت لزوم آن‌ها را در نیایش خود به کار می‌برد. این مسئله سبب می‌شود تا نیایش‌گر در عوالم روحانی عمل خود مانده و از این لحظات پربار بهره‌مند گردد (پوپ،۱۳۸۷: ۲۶۸۰). سجاده‌های محرابی به دلیل کاربردی بودن در مناسک مذهبی، در ارائه‌ی پیام دینی خود از زبان سمبلیک(زبان مشترک تمامی هنرهای دینی) بهره گرفته‌اند. هنر اسلامی با تمرکز بر وجود خداوند و دعوت به پیام خداوند، به حذف تزئینات غیر سمبلیک پرداخته و

---

۱. از مجموعه فرش‌های محرابی موجود از دوره صفوی و قاجار، ۲۱ نمونه فرش از هر دوره با توجه به معروفیت، اصالت و عدم تکراری بودن طرح انتخاب شده است.

۲. صف گونه‌ای از طرح محرابی سجاده‌ای است که تعدادی محراب به موازات محور عرضی فرش تکرار شده‌اند و کاربرد آن برای نمازهای جماعت است.

هر نقشی را در راستای جذب به زیبایی‌های معنوی به کار گرفته است.

ب) محرابی تزئینی: اولین کاربرد غیرمذهبی و تزئینی فرش‌های محرابی زمانی بود که فرش به عنوان نمایان‌گر جهت قبله به دیوار آویخته شد تا به عنوان محراب عمل کند (Rogers,2007:261). به تدریج فرش‌های محرابی تزئینی دچار تغییراتی در ابعاد، رنگ‌بندی و چینش نگاره‌ها شدند و کاربرد مذهبی خود را از دست دادند. این گروه دارای تنوع بی‌نظیری در طرح و رنگ بوده و به دلیل عدم کاربرد مذهبی، ممنوعیت استفاده از نقوش انسان، حیوان و پرنده را شامل نمی‌شدند.

جایگاه آرایه‌ها در فرش‌های محرابی

محراب پنجره‌ای است به باغ پرگل که همان باغ بهشت است به همین دلیل آرایه‌هایی همچون نقوش گیاهی که بیشترین ارتباط را با روضه‌ی رضوان دارند به کار گرفته می‌شوند. فرش‌های محرابی دارای عناصر تزئینی اصلی و مشترک هستند به این معنا که همگی آن‌ها دارای فضای محراب، نقوش گیاهی (عموماً نقش درخت) و نقشی که به نور اشاره داشته باشد، هستند. البته نگاره‌های تزئینی فرعی نیز، بسته به قواعد هنری زمان و مکان خود، به کار گرفته می‌شوند. نگاره‌های فرعی یا حاصل فرهنگ و زیبایی‌شناسی منطقه‌ای است و یا حاصل اختلاط فرهنگی که در طی زمان رخ داده است. اما گزینش نگاره‌ها تا حد زیادی فارغ از ذوق شخصی است. برای هنرمند مسلمان، هنر بدون داشتن نشانی از الهام ذهنی و فردی، باید دارای زیبایی غیرشخصی باشد (بورکهارت،۱۳۸۷ :۱۳۷). به طور کلی آرایه‌های مورد استفاده در فرش‌های محرابی، به چهار گروه زیر تقسیم می‌شوند. هریک از این آرایه‌ها علاوه بر کاربرد در زیبایی فرش، عمدتاً دارای دلالت‌های ضمنی هستند و فرش را از کاربرد تزیینی صرف دور می‌سازند.

الف) آرایه‌های نمادین: زبان نمادپردازی یکی از شگردهای ویژه هنرمندان مسلمان بوده است و به همین دلیل هیچ یک از آرایه‌ها جنبهٔ تزئینی صرف نداشته و پیامی بسیار بزرگ دارند. نمادپردازی به‌ویژه در نمونه‌های اولیه فرش‌های محرابی و نمونه‌هایی که امروزه در مناطق روستایی بافته می‌شوند، شاخص‌تر است. این نمادها همواره درصدد تکمیل معنای محراب بوده و پیام‌های الهی (در راستای تعالیم اسلامی) را در خود دارند. مهم‌ترین هدفی که مسلمان واقعی در پی اوست، رسیدن به بهشت موعود می‌باشد و بهشت همواره با تصاویر گل و درختان نمایش داده می‌شود. درخت زندگی مضمون اصلی بسیاری از فرش‌های محرابی است. چگونگی ارائه این نقش در مناطق مختلف متفاوت است. گاه نیز نمادهای مرتبط با آب به اشکال مختلف نمایش داده می‌شود. علائم و نشانه‌های نور از دیگر عناصر اثرگذار بر محراب‌ها می‌باشد و غالباً با نقش چراغ و یا قندیل و خورشید نشان داده می‌شود.

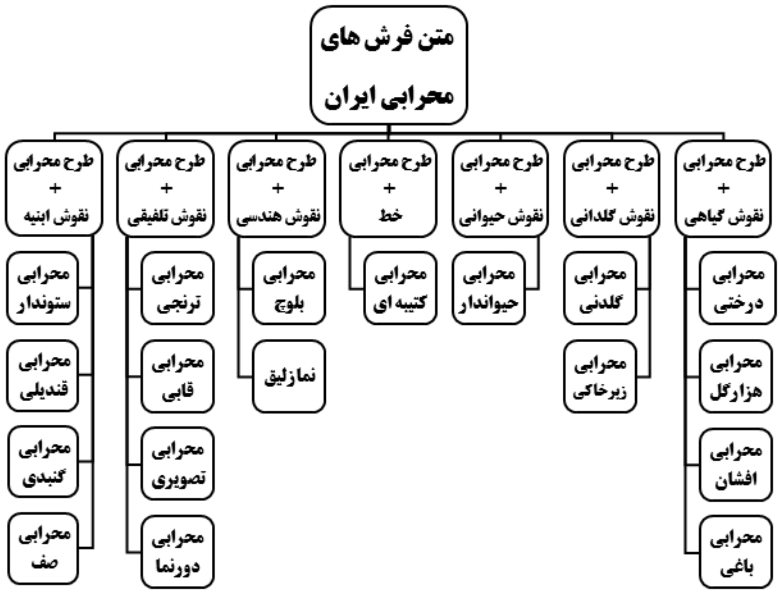
ب) آرایه‌های هندسی: به دلیل تحریم تصویرگری، نقوش هندسی تا سالیان سال بخش مهمی از هنر اسلامی را در برمی‌گیرد. این نقوش نیز همواره با محوریت معنا شکل‌گرفته و به چیزی فراتر از شکل ظاهری اشاره می‌کنند.

ج) آرایه‌های تزئینی: سهم این گروه از نقوش، در ارتقای جلوه بصری فرش مشهود است. از جمله این نقوش می‌توان به انواع گل‌ها، گلدان، پرنده، حیوانات و... در قالب نقوش گردان اشاره کرد. استفاده از آرایه‌های تزئینی در نمونه‌های محرابی دوره قاجار دیده می‌شود.

د) آرایه‌های پیامی: این گروه شامل کتیبه‌هایی است که همواره پیامی دینی دارند و شامل ادعیه و آیات می‌شوند. کتیبه‌نگاری خود پیام و دعوت حق است و باعث رستگاری است و به همین دلیل در قسمت‌هایی که تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند قرار می‌گیرند. در هر برهه زمانی تغییرات خط و آرایه‌ها به قالی‌های محرابی رسوخ کرده و تنوع بی‌نظیری را شامل شده است. کتیبه‌ها به‌عنوان همراهی‌کننده‌ی محراب و یا در حاشیه‌های فرش می‌آیند. آرایه‌های پیامی در طرح‌های محرابی دوره صفوی کاربرد بیشتری دارند.

انواع فرش‌های محرابی از قرن دهم تا چهاردهم هجری

ایران سرزمینی است پهناور با فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف، که هر یک ویژگی‌های خاص خود را در بافته‌هایشان دارند. به این ترتیب تنوع بی‌نظیری در طرح و رنگ قالی‌ها وجود دارد. در سفرنامه‌های بسیاری به بافت سجاده در قرون اولیه‌ی اسلامی در شهرهای مختلف ایران اشاره شده است، اما دلیل محکمی بر پرزدار بودن آن‌ها وجود ندارد و با توجه به اظهارات آن‌ها، به نظر می‌رسد به سجاده‌هایی از جنس زیلو، جاجیم، گلیم و یا نمد اشاره داشته‌اند. اما تنها در قرن دهم هجری بود که سجاده‌های بسیار خوش‌طرح و بافت در ایران به وجود آمد (پوپ،۱۳۸۸: ۲۱۰). به مرور زمان این طرح‌ها از تنوع بی‌نظیری برخوردار گشت به این معنا که طراحان و بافندگان خوش‌ذوق ایرانی هر بار عنصر تزئینی جدیدی به این گروه از طرح‌ها وارد کرده و به این ترتیب انواع مختلفی از این طرح به وجود آمد. تنوع طرح‌های محرابی بر اساس عناصر تکمیلی و تزیینی متن محراب است که شامل مجموعه زیر است:



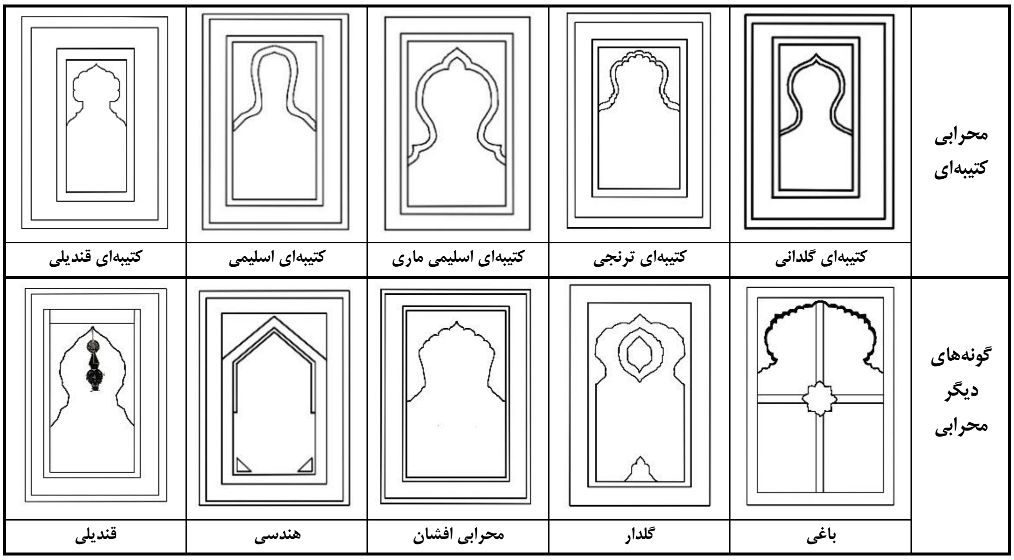
نمودار ۱. گونه‌های مختلف طرح محرابی در ایران
(مأخذ: نگارندگان)

طرح‌پردازی فرش‌های محرابی در دوره صفوی

اوج هنر فرش‌بافی ایران را باید در دوران حکومت صفویان جستجو کرد. در واقع برخی از عالی‌ترین فرش‌های ایران که تنها نمونه‌های باقیمانده از دوران عظمت این هنر محسوب می‌شوند، متعلق به دوران حکومت پادشاهان صفوی است. در این دوران هنرمندان ایرانی به خلق آثاری آن‌چنان دل‌انگیز و زیبا پرداختند که هرگز همتایی برای آن پیدا نشد. طرح‌های فرش از خلاقیت و نبوغ هنرمندان این عصر چنان بارور می‌شوند که پس از گذشت چند صدسال هنوز مورد تقلید بوده، گویی تمام نگاره‌ها و نقوش ممکن از پیش به دست این هنرمندان چیره‌دست، طرح و تکمیل شده است. فرش‌بافان این دوره با استفاده از این طرح‌ها در حدود ۱۵۰۰تخته فرش و قالیچه از خود باقی گذاشته که برخی از آن‌ها به صورت شاهکارهای مسلم فرش‌بافی دنیا ثبت شده‌اند. ساختار کلی طرح در این فرش‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم‌بندی نمود که عبارتند از لچک‌ترنج، افشان، قابی، بندی و محرابی. این گروه‌ها به عنوان بنیانی استوار در دوره‌های بعدی نیز به کار گرفته شدند (تختی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در مجموع، حدود هفتاد فرش محرابی صفوی باقی‌مانده است که تعدادی از نمونه‌های فرش محرابی دوره صفویه در موزه‌های متروپولیتن، هنرهای اسلامی برلین، ملی ایران، آستان قدس رضوی و موزه ملی کویت نگهداری می‌شوند. سی‌وهفت تخته از فرش‌های محرابی دوره صفوی نیز در موزه توپقاپی موجود است ضمن اینکه دو مورد نیز، یکی در تملک برادران بِکری و دیگری در مجموعه خانم پاراوینیچی قرار دارند که همه نمونه‌ها منسوب به شمال غرب ایران و اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است (پوپ،۱۳۸۷: ۲۶۷۸).

بررسی نمونه‌های محرابی دوره صفوی نشان می‌دهد که این فرش‌ها باوجود تنوع در نقش‌مایه، تنوع چندانی در ساختار ندارند. طرح پرکاربرد این دوران، طرح محرابی کتیبه‌ای است که ساختار آن از الگوی تقریباً مشخصی پیروی می‌کند. البته نمونه‌های دیگر همچون محرابی درختی، محرابی قندیلی و محرابی ستون‌دار نیز متداول بوده است. اما با وجود تنوع در متن فرش‌های محرابی این دوران، می‌توان در یک بررسی کلی، ساختار و ویژگی اصلی آن‌ها را الگوی محرابی در متن و طرح کتیبه‌ای در حاشیه دانست. فرم محراب‌ها در نمونه‌های محرابی کتیبه‌ای، با تنوع اندک، مشابه‌اند و به طور کلی فرم نعل اسبی را تداعی می‌کنند و البته با تغییراتی، ساده و یا مزین می‌شوند. در نمونه‌های دیگر محرابی صفوی، تنوع فرم محراب بیشتر است و هویت آن‌ها، با ملحقات تکمیلی طرح مشخص می‌شود اما در مجموع فرم محراب‌های فرش صفوی مشابه‌اند و تنوع چندانی ندارند.

جدول ۱. تنوع فرم محراب در فرش‌های محرابی دوره صفوی



(مأخذ: نگارندگان)

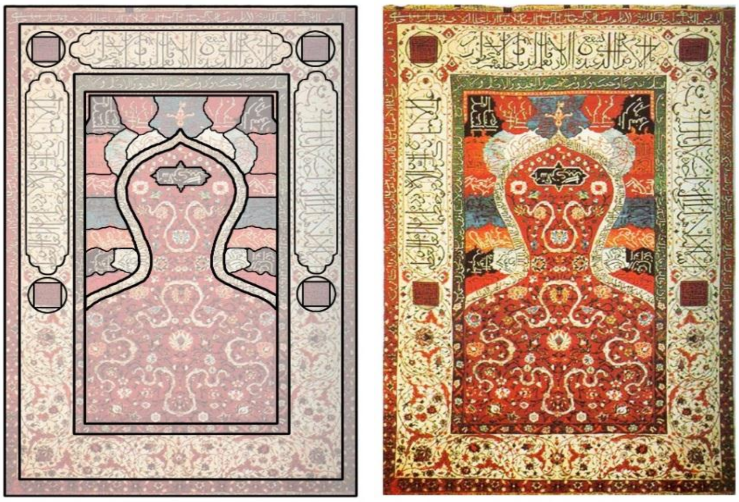
بررسی فرش‌های محرابی کتیبه‌ای دوره صفوی به عنوان فراوان‌ترین نمونه‌ها، نشان از ساختار تقریباً یکسان در این نمونه‌ها دارد. برای فرش‌های محرابی، از آیات قرآنی، احادیث در کتیبه‌ها استفاده شده است. محل جای‌گیری کتیبه‌ها و نوشتار، نیمه بالایی فرش است، چرا که (احتمالاً) نیمه پایینی فرش محل نشستن نمازگزار بوده و از قرار دادن آیات در این قسمت احتراز شده است. این ساختار حتی در فرش‌های محرابی که به منظور استفاده غیر جانمازی بوده هم مرسوم شده است. در نهایت می‌توان حداکثر هفت فضای مشخص برای محل جای‌گیری نوشتار و یا کتیبه‌ها تشخیص داد؛ ۱. نیمه بالایی حاشیه کوچک بیرونی ۲. کل (نیمه بالایی) حاشیه کوچک داخلی ۳. نیمه بالایی حاشیه اصلی و کتیبه‌های موجود در آن ۴. کتیبه‌های مربع شکل (محصور در دایره) در حاشیه اصلی (با خط کوفی بنایی) ۵. فضای بالایی محراب (اسپندرل[۱]) ۶. فضای محصور در فرم نواری محراب ۷.کتیبه‌های موجود در پیشانی گنبد متن.

قسمت فوقانی نمونه‌های محرابی کتیبه‌ای، کمابیش پر از کتیبه‌هایی به خط نسخ است، چه در داخل قاب و چه بر روی حاشیه که معمولاً همراه با لوحه‌های خط کوفی چهارگوش (معقلی/بنایی) است. همچنین حاشیه‌های باریک داخلی که ممکن است پهن بافته شده باشند و حاشیه‌های باریک بیرونی معمولاً در قسمت فوقانی سجاده دارای کتیبه است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۶۷۹). گاهی نیز نام بافنده و طراح و یا واقف نیز در آن‌ها دیده می‌شود. در گنبد متن و محلی که پیشانی نمازگزار قرار می‌گیرد، در کتیبه‌ای نام خداوند قرار دارد. روی‌هم‌رفته طراح در این وسعت کم کوشیده است که هرچه بیشتر از آیات و ادعیه بگنجاند چرا که لازمه چنین فرشی، آن است که هرچه بیشتر سوره‌ها و آیات قرآنی را متضمن باشد (پوپ،۱۳۸۷: ۲۶۸۰). با وجود حفظ ساختار در فرش‌های محرابی کتیبه‌ای و پیروی از یک الگوی تقریباً مشخص، تنوع فرش‌ها با بهره‌گیری از موتیف‌های مختلف حاصل شده است. متن فرش‌ها، بسیار پرکار، و آذین‌ها و نگاره‌های آن چشم‌نواز و مسحور کننده است و با انواع اسلیمی‌ها و ختایی‌ها و به‌ویژه اسلیمی ماری، طرح باغی، طرح درختی و قندیلی، آراسته شده است (فنایی و همکاران،۱۳۹۲: ۷۹). اسپندرل یا همان فضای سه‌گوش دو طرف بالای محراب، فضایی برای تجلی نوشتار در قالب کتیبه‌های غیر منتظم است و یا مملو از انواع اسلیمی و یا نقوش گل‌دار.[۲]

---

۱. به بخش‌های مثلثی شکل و اغلب مزین که میان دو طرف راست و چپ بالای تاق و چهارچوب مستطیلی متن قرار می‌گیرند اسپندرل (Spandrel) گفته می‌شود.

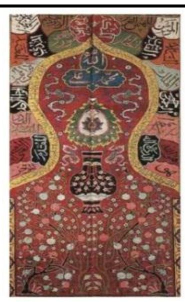
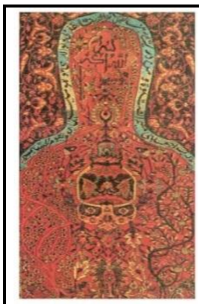
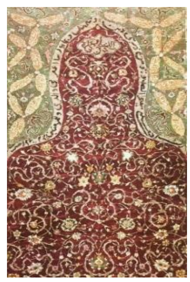
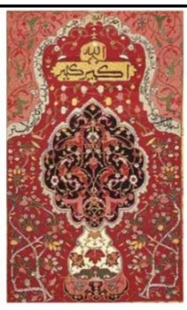
۲. حضور و پیدایی نقش گل‌سرخ یا گل فرنگ در هنر صفوی به شرایط خاص دوره سلطنت شاه‌عباس اول بازمی‌گردد، اما علی‌رغم کاربرد محدود آن در نگارگری و بر دیوار کاخ‌ها، تأثیری بر سایر هنرهای دوره صفوی به‌ویژه در طرح و نقش قالی‌های صفوی نداشته است و به هر روی در متن و حاشیه‌های قالی‌های دوره صفوی نقشی از گل‌فرنگ ظاهر نشده است.



تصویر شماره ۱. فرش شاخص محرابی کتیبه‌ای دوره صفوی(پوپ،۱۳۸۷ :۱۱۶۷) و تحلیل ساختار.

در نمونه‌های دیگر محرابی دوره صفوی، همچون محرابی درختی، محرابی گلدانی، محرابی ترنجی، محرابی قابی، محرابی ستون‌دار و یا محرابی گل‌دار نیز تقریباً با ساختار مشابهی مواجهیم، در این نمونه‌ها از کثرت کتیبه‌ها و نوشتار کاسته شده و فضای محدودتری برای آن اختصاص داده شده است اما فرم محراب و ساختار کلی طرح، با تنوع اندک، تفاوت چندانی با نمونه‌های محرابی کتیبه‌ای ندارند. استفاده از موتیف‌های گیاهی برای متن و حاشیه متداول بوده و تنوع طرح‌ها از گونه‌گونی نقوش مختلف حاصل شده است. متن محراب در این نمونه‌ها شامل؛ گلدان، انواع گل و برگ، شاخه و بوته و گونه‌های مختلف اسلیمی است. متن فرش‌های محرابی این دوره به‌ندرت خالی از نقش مانده، و جز افشان، در قالب‌های دیگری همچون قاب‌قابی و یا ترنجی نیز درآمده‌اند. کاربست رنگ در فرش‌های محرابی، از الگوی رنگ‌پردازی فرش‌های دوره صفوی پیروی می‌کند و به‌طورمعمول عناصر روشن بر متن تیره فرش جلوه‌گرند.

جدول ۲. تنوع زمینه در فرش‌های کتیبه‌ای دوره صفوی

				
نمونه ۶ از جدول ۱۴	**نمونه ۲ از جدول ۱۴**	**نمونه ۵ از جدول ۱۴**	**نمونه ۷ از جدول ۱۴**	**نمونه ۴ از جدول ۱۴**
				
نمونه ۱۶ از جدول ۱۴	**نمونه ۹ از جدول ۱۴**	**نمونه ۱۰ از جدول ۱۴**	**نمونه ۱۱ از جدول ۱۴**	**نمونه ۲۱ از جدول ۱۴**

(مأخذ: نگارندگان)

طرح‌پردازی فرش‌های محرابی در دوره قاجار

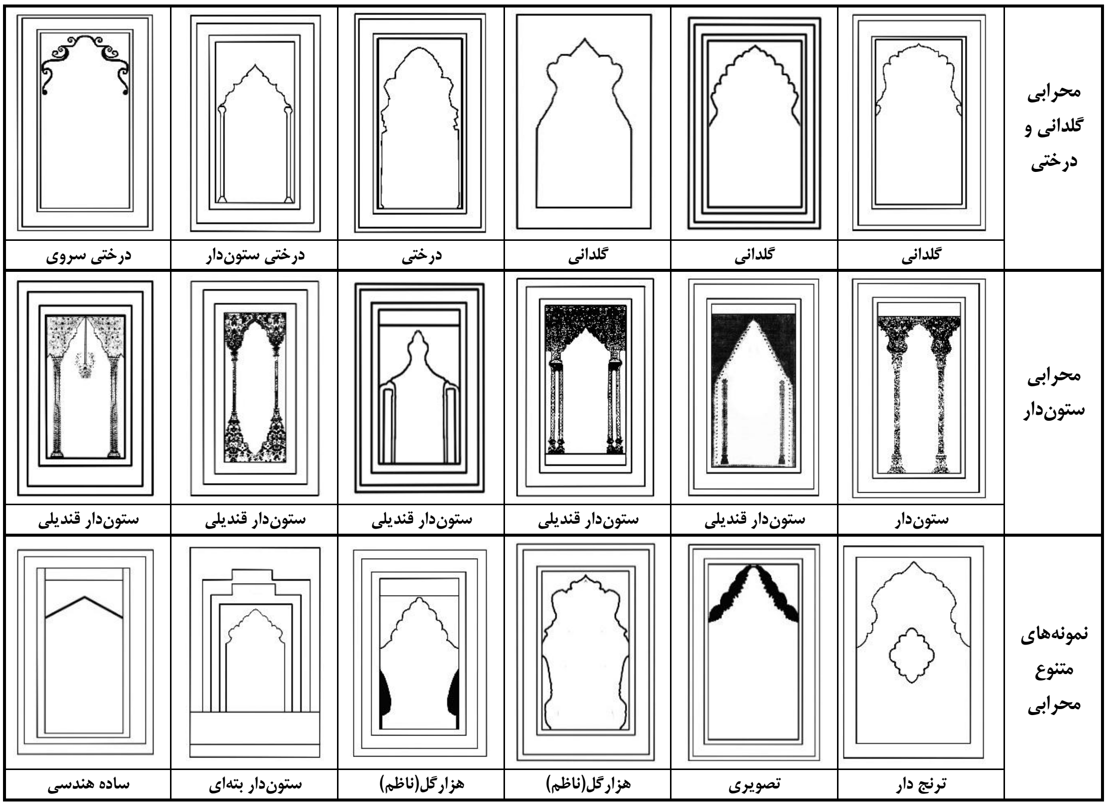
در دوران نسبتاً طولانی قاجار، هنرهای ایران از جمله فرش‌بافی پس از یک دوره رکود و انفعال، جانی تازه و عرصه‌ای مهیا یافتند. هنرمندان با تکیه بر میراث گرانبهایی که از تاریخ هنر ایران به‌خصوص دوره صفویه به همراه داشتند و به مدد ذوق لطیف و همت بلندشان، چونان گذشته به خلق آثاری نوین نائل آمدند. این آثار در بستر تحولات و متأثر از شرایط خاص جامعه قاجار، ویژگی‌ها و هویتی مستقل و متفاوت با دوره‌های پیش از خود یافتند. دهه ۱۲۹۰ قمری نقطه عطفی در تاریخ فرش‌بافی ایران به شمار می‌رود، چرا که از این زمان، افزایش دستگاه‌های فرش‌بافی و حجم صادرات و به طورکلی، گسترش همه‌جانبه در صنعت فرش به وجود می‌آید (اتیک، ۱۳۸۴: ۹۷-۹۵). در این دوره، از حمایت درباری آن چنان که در دوره صفویه شاهد بودیم، خبری نیست اما عوامل دیگری زمینه‌ساز گسترش و توسعه فرش‌بافی به‌ویژه در روستاها گردید که مهم‌ترین آن، گسترش تقاضای غرب برای فرش‌های ایرانی طی اواخر سده سیزدهم می‌باشد. گسترش مراکز تولید و خارج شدن فرش‌بافی از انحصار دربار منجر به ایجاد تغییراتی در عرصه ابعاد، الیاف، کیفیت بافت و طرح و نقش فرش‌ها نسبت به دوره صفویه گردید. به دنبال افزایش تولید، فرش در زندگی و فرهنگ اجتماعی ایرانیان نیز حضور گسترده‌ای یافت و از کالایی تجملی و مخصوص اشراف به کالایی عام تغییر کرد.

در دوره قاجار با برپایی چند نمایشگاه از فرش‌های ایرانی در کشورهای اروپایی توجه خریداران غربی به این محصول بیشتر شد. به تدریج تجار ایرانی و برخی از شرکت‌های خارجی کارگاه فرش‌بافی در شهرهای مختلف ایران تأسیس کردند. به این ترتیب تغییراتی در شیوه طراحی و رنگ‌بندی فرش ایران پدید آمد که شاید مهم‌ترین دلیل آن هجوم شرکت‌های اروپایی و تأمین خواسته‌های مشتریان غربی بود و این موضوع سبب رواج طرح‌های متفاوت شد. طرح‌های غریب و تازه در کنار طرح‌های زیبا و اصیل، تنوع را در این دوران رقم زدند. در این دوره همچنان‌که فرش‌ها از همان ساختارهای صفوی پیروی می‌کردند، دچار تحولاتی نیز شدند که مهم‌ترین آن‌ها ظهور طرح‌های تصویری و گسترش طرح‌های قابی و بندی است. پدیده تصویرگری در فرش‌های این دوره، در نتیجه عوامل مختلفی به وجود آمد که گرایش به هنر غرب و طبیعت‌پردازی از جمله آن‌هاست. نقش‌مایه‌ها نیز علاوه بر عناصر ختایی و اسلیمی، گل‌های رز[1] و انواع بته را شامل می‌شد که می‌توان از آن‌ها به عنوان شاخصه و ویژگی نقوش فرش‌های قاجار نام برد.(صباغ پور آرانی،۱۳۸۸: ۱۰۷).

---

۱. حضور فرنگی‌سازی و نقوش گل‌فرنگ در متن و حواشی قالی‌ها از دوره قاجاری پدیدار شد. به نظر بسیاری از پژوهشگران رواج نقش گل‌های فرنگی بر قالی‌های قاجار، تحت تأثیر فرهنگ طبیعت‌گرای غرب صورت پذیرفته است اما طراحان ایرانی آن را به گونه‌ای بومی‌سازی نموده‌اند که در همراهی با نقوش سنتی ایرانی وجه هماهنگی متناسبی داشته باشد.(ژوله، ۱۳۸۱: ۳۴)

جدول ۳. تنوع فرم محراب در فرش‌های محرابی دوره قاجار



(مأخذ: نگارندگان)

در دوره قاجار فرش‌های محرابی با حال و هوایی تازه‌تر بافته شدند. طرح‌های محرابی که عمدتاً در ابعاد قالیچه بودند، نقوشی چون طاق محراب، قندیل و ستون‌دار را که تداعی‌گر محراب مساجد هستند، انعکاس داده‌اند. عمده طرح‌های محرابی دوره قاجار، شامل محرابی گلدانی، محرابی درختی، محرابی هزارگل و محرابی ستون‌دار هستند و البته نمونه‌های متنوع دیگر چون محرابی تصویری نیز بافته شده‌اند. ساختار طرح و فرم محراب در فرش‌های محرابی قاجار، متنوع است و محراب‌ها با اشکال مختلف و متفاوت و با تزئینات و محلقات بیشتری طرح شدند. قالیچه‌های سجاده‌ای دوره قاجار، گرچه عناصر اصلی طرح در همتایان صفوی‌شان را حفظ نموده‌اند، لیکن در متن ساده‌تر و خلاصه‌تر از نمونه‌های صفوی اجرا شده‌اند. قالیچه‌های سجاده‌ای صفوی مملو از نقوش و ساقه‌های ختایی و اسلیمی بوده و عمدتاً ادعیه و آیات مذهبی را در خود دارند این درحالی است که قسمت اعظم آیات و ادعیه، در قالیچه‌های قاجار جای خود را به درختان و گل‌ها بخشیده‌اند، چرا که احتمالاً هنرمند قاجار به منظور احترام و حفظ حرمت کلمات الهی از بافتن آیات احتراز نموده و ترجیح داده است فضایی آکنده از گل‌ها و درختان، به‌رسم اوصافی که از بهشت رضوان در خاطر داشته، بیافریند از این رو تعداد زیادی از قالیچه‌های محرابی قاجار را یک یا دو درخت، همچون درخت طوبی آراسته است.



تصویر ۲. فرش شاخص محرابی درختی دوره قاجار(کمندلو،۱۳۸۸: ۲۷) و تحلیل ساختار

طرح محرابی درختی از فراوان‌ترین و متنوع‌ترین طرح‌های محرابی دوره قاجار است، تنوع آن، از کاربرد گونه‌های مختلف درخت، همچون درختان سرسبز و پرشکوفه و بهاری و درخت سرو و غیره است. زمینه فرش می‌تواند شامل یک یا چند درخت و درختچه باشد و عناصر همخوان و مرتبط، مکمل متن هستند، در برخی طرح‌های محرابی درختی این دوره، علاوه بر نقوش گیاهی، نقوش مرغی، پرندگان زیبا و یا طاوس‌های رنگین نیز حضور دارند و حال و هوای بهشتی زمینه را کامل می‌کنند.

جدول ۴. تنوع متن در فرش‌های محرابی درختی دوره قاجار

				
URL:1	نمونه ۳ از جدول ۱۵	نمونه ۹ از جدول ۱۵	نمونه ۱ از جدول ۱۵	نمونه ۶ از جدول۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

در فرش‌های محرابی گلدانی دوره قاجار نیز همچون نمونه‌های محرابی درختی، فضای متن محراب اکنده از گل و شاخ و برگ و نقوش گیاهی است، رویش از یک یا چند گلدان نشات می‌گیرد و شاخه‌هایی که از آن روییده تمام فضا را پر می‌کند و گاهی چند گلدان با بوته‌های اندک، متن را مزین می‌کنند. فرم محراب در نمونه‌های گلدانی دوره قاجار، تنوع چندانی ندارد اما موتیف‌ها و نقش‌مایه‌ها، متنوع و متفاوت است هرچند در اغلب موارد از نقش‌مایه‌های گیاهی و گل فرنگ استفاده شده اما نقوش اسلیمی و ختایی و گل شاه‌عباسی، به صورت گردان و هندسی، برای تکمیل طرح‌ها مورد استفاده بوده است. گلدان‌ها معمولاً نقش تزئینی ویژه‌ای در طرح ندارند و بیشتر کوچک نقش شده‌اند. طرح محرابی دیگری که در دوره قاجار پدید آمد، طرح محرابی هزارگل[1] است. فرای ماهیت طرح و با توجه به خصوصیات

۱. این طرح در مرکز ایران بافته می‌شده و به ناظم نیز مشهور است. این طرح در دوران معاصر، الگوی برخی از فرش‌های بافته شده در بیشتر مناطق ایران بوده است و هنرمندان قالی‌باف با الگوبرداری از نمونه اصلی(فرم طاق، درخت سرو، گلدان و گل‌های فراوان و کوچک) نمونه‌های گوناگونی از آن خلق کرده‌اند. البته در قرار گرفتن فرش ناظم و یا هزارگل، ذیل مجموعه فرش‌های محرابی تردیدهایی وجود دارد که در این مقال نمی‌گنجد اما مبنای طرح، حضور عناصر گیاهی است در متن محراب، که رویش آنان از یک گلدان نشات گرفته است و شاخه‌هایی که از گلدان روییده، فضا را پر کرده و دونیم سرو در طرفین گلدان قرار گرفته است (پرهام،۱۳۷۱: ۱۴۷).

ظاهری، می‌توان طرح هزارگل را زیرمجموعه‌ی طرح‌های محرابی دوره قاجار به حساب آورد.



تصویر ۳. فرش شاخص محرابی گلدانی دوره قاجار (صوراسرافیل، ۱۳۶۷: ۱۲۰) و تحلیل ساختار.

تعداد زیادی از طرح‌های محرابی گلدانی دوره قاجار با الگوی مشابهی شکل یافته‌اند حضور گلدان به عنوان اصلی‌ترین عنصر تزئینی تکمیل طرح در میانه پایین محراب مشخص است، عناصر گیاهی متن که از گلدان نشات گرفته‌اند تمام متن محراب را دربرگرفته‌اند، و طرح به‌صورت یک‌دوم بر حول محور طولی فرش ترسیم شده است. علاوه بر گلدان مرکزی، چند گلدان کوچک نیز می‌تواند به طرح افزوده شود عناصر گیاهی متن شامل عناصر اسلیمی، ختایی و گل‌های انتزاعی و طبیعی هستند.

جدول ۵. تنوع متن در فرش‌های محرابی گلدانی دوره قاجار

				
نمونه ۸ از جدول ۱۵	(sakhai,2008:188)	نمونه ۲ از جدول ۱۵	URL:2	نمونه ۷ از جدول ۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

گونه دیگر طرح محرابی در دوره قاجار ، طرح محرابی ستون‌دار است. معمولاً در این قسم طرح‌ها، عناصر اصلی دو یا چند ستون هستند که محراب را نگه‌داشته‌اند. فرم محراب‌ها معمولاً با تزئینات بیشتری اجرا شده‌اند و بیشتر یادآور طاق در معماری هستند، ستون‌ها اصلی‌ترین عناصر متن هستند و گاهی نیز ملحقاتی که مهم‌ترین آن قندیل است بر زمینه طرح افزون شده است که البته با توجه به فرعی بودن قندیل نسبت به ستون، می‌توان طرح محرابی ستون‌دار را به همه این نمونه‌ها اطلاق کرد.

ستون‌ها معمولاً باریک و ساده‌اند به همراه پایه و سرستون. ستون‌ها قرینه و از نظر تعداد بیشتر دو ستونی هستند، نمونه‌های چند ستونی نیز که بیشتر در ترکیه متداول بوده و از دوره صفوی بافته شده با فراوانی کمتر دیده می‌شود. متن فرش محرابی در این نمونه‌ها به‌طورمعمول ساده و خالی از نقش است. طرح محرابی ستون‌دار این دوران، دارای بُعد است و گذرگاه را القا می‌کند تا اینکه چهارچوبی بسته و محدود باشد و علت آن، حضور عناصر معلق و ستون‌هایی است که محراب را از میانه نگه‌داشته‌اند و طاق و شبستان را القا می‌کنند.



تصویر ۴. فرش شاخص محرابی ستون‌دار دوره قاجار(نمونه ۲۱ از جدول ۱۵) و تحلیل ساختار.

طرح‌های محرابی ستونی دوره قاجار نیز ساختار مشابهی دارند، عناصر تزئینی متن شامل دو یا چند ستون است به همراه قندیل آویخته و مزین که از میانه محراب آویخته شده است. متن محراب معمولاً ساده و خالی از تزئین است اما در برخی نمونه‌ها نیز از آرایه‌های گیاهی استفاده شده است. فرم ستون‌ها از ساده و کارکردگرا تا مزین، آراسته و پرکار تنوع دارد.

جدول ۶. تنوع متن در فرش‌های محرابی ستون‌دار دوره قاجار

				
نمونه ۱۹ از جدول ۱۵	**نمونه ۱۷ از جدول ۱۵**	**نمونه ۲۰ از جدول ۱۵**	**نمونه ۱۵ از جدول ۱۵**	**نمونه ۱۶ از جدول ۱۵**

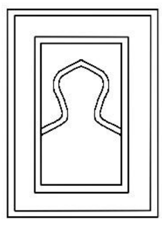
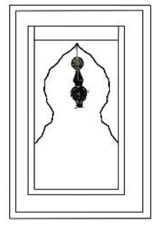
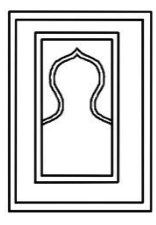
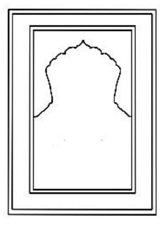
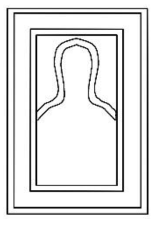
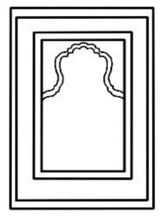
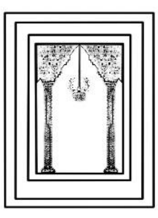
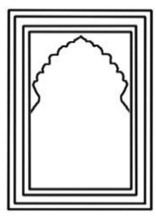
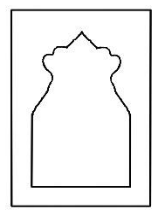
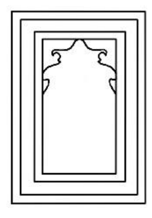
(مأخذ: نگارندگان)

مقایسه و تطبیق طرح و نقش در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار.

تطبیق و مقایسه طرح و فرم محراب:

از دوران صفویه تعداد قابل‌توجهی تخته فرش باقی‌مانده است که مقدار اندکی از آن‌ها دارای طرح محرابی هستند و با توجه به ابعاد و نوعشان، بیشتر به عنوان سجاده نماز(جانمازی) مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. در دوران قاجار، همگام با تحولات کلی در هنر عصر جدید، شاهد تغییرات اساسی در فرم، ساختار و تزئینات فرش و حتی کاربرد آن نیز هستیم. با تغییر رویکرد هنرمند ایرانی در این دوره، متأثر از عواملی چون رویارویی با فرهنگ اروپایی و مواجهه با دوران جدید و تغییر معیارهای زیبایی‌شناسی، سبک طرح‌پردازی فرش نیز دچار تحولات و تغییراتی می‌شود. در این دوران طراح فرش ایرانی با استفاده از الگوهای قدیمی موفق به خلق طرح‌های جدید در هنر خود شد. هرچند هنر دوره صفوی به عنوان شاخص، در همه دوره‌ها مدنظر بوده و در دوره قاجار نیز این‌چنین بوده است، اما تجربه و مهارت هنرمند طراح دوره قاجار منجر به خلق جلوه‌های نو و نمونه‌های متفاوت شد و فرم‌های جدید در ساختار فرش و تزئینات تازه و گرایش به نقوش واقع‌گرایانه و تزئینی از خصوصیات هنر فرش‌بافی دوره قاجار شد. طرح‌های محرابی در دوره قاجار شاهد تحول در فرم و ساختارند، علاوه بر تغییر و تنوع در فرم‌بندی محراب و ساختار، تنوع و تعدد این‌گونه فرش‌ها نمایان است.

جدول ۷. تطبیق طرح محراب در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

	کتیبه‌ای	قندیلی(ستونی)	گلدانی	گل‌دار	درختی
طرح‌های محرابی صفوی					
	نمونه۱ از جدول ۱۴	نمونه ۱۵ از جدول ۱۴	نمونه ۲ از جدول ۱۴	نمونه ۲۰ از جدول ۱۴	نمونه ۴ از جدول ۱۴
طرح‌های محرابی قاجار					
	نمونه ۷ از جدول ۱۵	نمونه ۱۹ از جدول ۱۵	نمونه ۸ از جدول ۱۵	نمونه ۱۱ از جدول ۱۵	نمونه ۴ از جدول ۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

شکل محراب‌های صفوی اغلب به صورت، محرابی کشیده ساده، محرابی نعل اسبی، محرابی شبدری و محرابی هندسی است. اما در گونه‌های محرابی دوره قاجار، شاهد تنوع بیشتر فرم هستیم و علاوه بر نمونه‌های دوره صفوی، فرم‌های پرتزئین و پیچان و گاه همراه با ستون نیز متداول است. به غیر از نمونه‌های ساده و هندسی، نمونه‌های چند هلالی، انواع جناقی (تند و کند)، مدور، کنگره‌ای و دندانه‌دار که از بندهای اسلیمی و ختایی به وجود آمده‌اند، مزین‌ترین نمونه‌های این دوره را تشکیل می‌دهند. در نمونه‌های محرابی ستونی دوره قاجار، محراب گذرگاهی را القا می‌کند. در برخی نمونه‌های درختی و نیز گلدانی، فرم محراب همراه با ستون بسان پنجره‌ای است که رو به باغ و منظره گشوده شده است.

جدول ۸. تطبیق فرم محراب در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

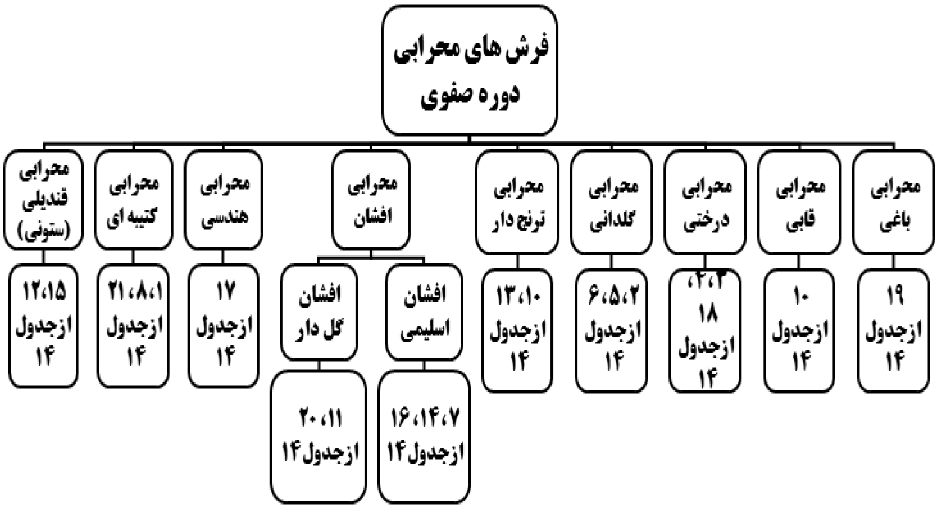
صفوی	جناقی ساده	نعل اسبی	شبدری	هندسی	----	----	----
قاجار	انواع جناقی	نعل اسبی	شبدری	هندسی	چند هلالی	کنگره‌ای	مدور(نیم‌دایره)

(مأخذ: نگارندگان)

تطبیق و مقایسه طرح:

بر اساس بررسی نمونه‌های برجای‌مانده از دوره صفوی می‌توان فراوانی نمونه‌های محرابی کتیبه‌ای را بیش از سایر اقسام محرابی در این دوران مشاهده نمود. فرم کلی محراب‌ها با ساده‌ترین حالت القای شکل و به اصطلاح نعل اسبی است و عناصر زمینه محراب عمدتاً نقوش تزئینی همچون اسلیمی، ختایی، عناصر گیاهی و غیره است. تعداد زیادی از فرش‌های محرابی کتیبه‌ای دوران صفوی با ساختار یکسان وجود دارند که تفاوت آنان شاید فقط در نقوش تزئینی، رنگ‌بندی و متن کتیبه باشد و قالب و فرم کلی آنان چندان متفاوت نیست. اقسام دیگر محرابی در دوره صفوی، طرح‌های محرابی درختی، محرابی گلدانی، محرابی افشان و محرابی باغی هستند که ساختار طرح‌پردازی آنان تفاوت چندانی با نمونه‌های محرابی کتیبه‌ای ندارند، اما در نوع تزئینات و استفاده از نقش‌مایه‌ها و همچنین در میزان کاربرد کتیبه‌ها در طرح متفاوتند. در طراحی متن فرش‌های صفوی انواع نقشه های قندیلی، افشان، ترنج دار، گلدانی، درختی، قاب قابی و باغی به کار رفته است و به غیر از تنوع طرح، از آرایه‌هایی چون اسلیمی ماری، اسلیمی و ختایی، گل‌وبوته‌های طبیعت‌گرایانه، درختان سرو، شکوفه، کتیبه‌های خوشنویسی، نقوش هندسی، ترنج و سر ترنج، گلدان و قندیل استفاده شده است. در برخی فرش‌ها نیز

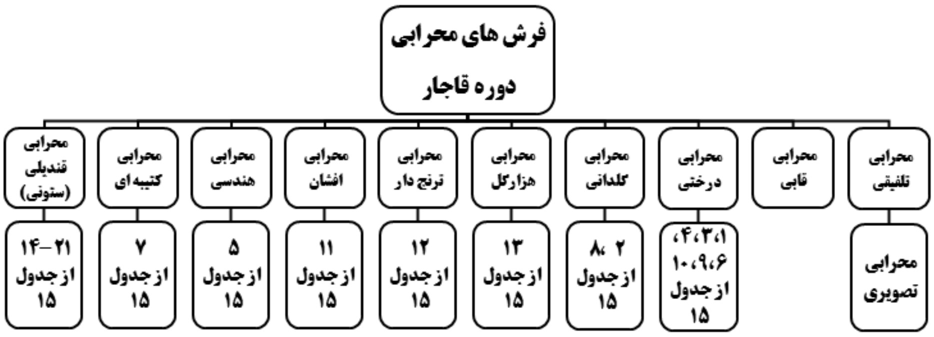
ممکن است عناصر گوناگون همچون قندیل، درخت، کتیبه و گلدان درکنار هم قرار بگیرند. همچنین در محرابی‌های صفوی گونه‌های متفاوتی از اسپندرل‌ها دیده می‌شود. استفاده از نقوش اسلیمی، اسلیمی‌ماری، نقوش حیوانی و نقوش هندسی و همچنین ترکیب موارد ذکر شده، موجب تنوع اسپندرل در فرش‌های محرابی صفوی شده است (فنایی و همکاران،۱۳۹۲:۹۰).



نمودار ۲. فراوانی فرش‌های محرابی صفوی
(مأخذ: نگارندگان)

نمونه‌های محرابی برجای‌مانده از دوره قاجار نشان می‌دهد که طرح‌های محرابی درختی و محرابی گلدانی بیش از سایر نمونه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. ساختار دو گونه اخیر مشابه است و در هرکدام عناصر گیاهی، متن فرش محرابی را در برگرفته‌اند. تفاوت نمونه‌های گیاهی دوره صفوی و قاجار، در نوع نقوش است آن‌چنان‌که طرح‌های صفوی از نقوش اسلیمی و ختایی برای تزئین متن بهره برده‌اند اما گونه‌های قاجار شامل طیف متنوع‌تری همچون عناصر گیاهی طبیعی است. طرح محرابی ستون‌دار نمونه دیگر شاخص دوره قاجار است که از نظر طرح، فرم و تزئینات متفاوت از سایر نمونه‌های محرابی است. فراوانی کاربرد این طرح در دوره قاجار بیش از عصر صفوی است، طرح‌های محرابی ستونی دوره صفوی[۱] قالب کلی نمونه‌های محرابی این دوره را حفظ کرده‌اند. اما در فرش‌های محرابی ستونی دوره قاجار، اغلب متن محراب ساده و بی‌نقش باقی‌مانده است و برای تزئین متن به‌جز ستون‌ها، از یک قندیل، و نهایتاً یک یا چند گلدان کوچک، استفاده شده است. از سوی دیگر، از تعداد طرح‌های محرابی کتیبه‌ای رایج در دوره صفوی کاسته شده و نمونه‌های محرابی گلدانی و یا محرابی درختی جایگزین شده‌اند.

۱. نمونه‌های محرابی دو یا چند ستونی در دوره صفوی به ندرت بافته‌شده، و نمونه‌هایی که موجود است مربوط به فرش‌های محرابی ترکیه است.



نمودار ۳. فراوانی فرش‌های محرابی قاجار

(مأخذ: نگارندگان)

جدول ۹. تطبیق طرح در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

طرح	کتیبه‌ای	گلدانی	درختی	قندیلی	ترنج دار	باغی	افشان	هزارگل	قابی	هندسی	صف	تصویری
دوره صفوی	•	•	•	•	•	•	•	--	•	•	•	--
دوره قاجار	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•

(مأخذ: نگارندگان)

تطبیق و مقایسه نقوش:

تزئین متن فرش در فرش‌های محرابی دوره صفویه، ساده و چشم‌نواز است. در یک بررسی کلی مشخص می‌گردد که عناصر گیاهی و گل‌ها و همچنین نقوش انتزاعی ساده، اسلیمی، ختایی و همچنین عناصر مذهبی و اسلامی همچون کتیبه، قندیل، بیشترین عناصر تکمیلی متن هستند و از فرم‌های حیوانی و واقع‌گرایانه به ندرت استفاده شده که این مسئله ارتباط مستقیم با ماهیت و کاربرد فرش‌های محرابی در آن دوران داشته است. فرش‌های محرابی دوره قاجار، عناصر اصلی طرح در همتایان صفوی‌شان را حفظ نموده‌اند، قالیچه‌های سجاده‌ای صفوی مملو از نقوش و ساقه‌های ختایی و اسلیمی بوده و عمدتاً ادعیه و آیات مذهبی را در خود دارند این درحالی‌است که قسمت اعظم آیات و ادعیه، در قالیچه‌های قاجار جای خود را به درختان و گل‌ها بخشیده‌اند. از این رو تعداد زیادی از قالیچه‌های محرابی قاجار را یک درخت، گلدان و یا فضای پر از گل و عناصر گیاهی آراسته است (پرهام،۱۳۷۱: ۳۳۲-۳۱۷).

علاوه بر این در فرش‌های محرابی دوره قاجار، تنوع نقوش تزئینی هم از نظر محتوا و هم‌شکل مجال بروز پیدا می‌کند و بر خلاف دوره صفوی، تزئینات منحصر به نقوش گیاهی و انتزاعی نیستند و فرم‌های حیوانی، پرندگان و گل‌های متنوع و تازه، بخش بزرگی از تزئینات را تشکیل می‌دهند. همچنین حضور عناصر فرنگی و به خصوص گل فرنگ که سابقه‌ای در قالی‌بافی دوره صفوی نداشته، در دوره قاجار مشهود است. نقش گل‌ها و گیاهان در قالی‌بافی دوره‌ی صفوی عمدتاً به صورتی انتزاعی و دور از واقعیت طبیعت، طراحی و بافته شده‌اند اما در قالی‌های دوره‌ی قاجار، همگام با تغییر رویکردهای هنری و متأثر از هنر واقع‌گرای غرب، نقوش گل‌فرنگ و دیگر نقوش گیاهی توأم با ساختارهای سنتی، طراحی شده اند.

علاوه بر تنوع در فرم محراب، تزئینات در فرش‌های محرابی دوره قاجار نیز بیش از دوره صفوی است و عناصر تکمیلی طرح، منحصر به چند عنصر تزئینی مشخص نمی‌شود. گاهی حتی برخلاف ماهیت کاربرد فرش‌های محرابی، شاهد استفاده از دورنما و منظره و حتی تصاویر جانوری و انسانی هستیم که سابقه‌ای در فرش دوران صفوی نداشته است[۱]. با دیدن موارد فوق درمی‌یابیم که کم‌کم جنبه عبادی و مذهبی این دست‌بافت‌ها کم تر، و وجه مادی آن‌ها بیشتر می‌شود.

---

۱. طرح‌های محرابی تصویری که گونه‌ای از طرح‌های محرابی تلفیقی است، در دوره قاجار متداول شده است و سابقه‌ای در هنر فرش‌بافی دوره صفوی نداشته است. در این‌گونه از طرح محرابی، معمولاً در متن محراب از تصاویر انسانی همچون اشخاص ملی، میهنی و مذهبی(و یا دراویش) و یا سلاطین و امرای دوره قاجار استفاده شده است، گاهی نیز منظره و دورنما و یا حیوانات معروفی چون شیر ترسیم شده است. در قرار گرفتن این مجموعه ذیل عنوان محرابی تردیدهایی وجود دارد. اما شاید عنوان طرح تلفیقی، گویای بهتر ماهیت این طرح باشد. این‌گونه فرش‌ها کاربرد تزئینی صرف دارند.

جدول ۱۰. تطبیق کاربرد آرایه‌ها در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

نقش	نقوش ختایی	نقوش اسلیمی	گل شاه‌عباسی	گل‌های طبیعی	گل فرنگ	گلدان	درخت	ستون	قندیل	پرنده	حیوان	کتیبه (نوشتار)	بته جقه	ماهی درهم	نقوش هندسی	نقوش انسانی	نقوش تصویری
دوره صفوی	•	•	•	•	–	•	•	•	•	•	•	•	–	–	•	–	–
دوره قاجار	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•

(مأخذ: نگارندگان)

گلدان

نقش گلدان از نقوش پرکاربرد محرابی‌های صفوی و قاجار است. گلدان گل، ارتباطی وسیع با زمین مادر و ایزد بانوی باروری دارد و همین معنا به طور مشابه در نقوش موزون و بدیع به شکل‌های مختلف در طراحی فرش ایران دیده می‌شود (فنایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). گلدان در دوره صفوی و قاجار نقش مکمل بسیاری از طرح‌های فرش ایرانی و از جمله فرش‌های محرابی بوده است. تطبیق نمونه‌های گلدان در دو دوره نشان می‌دهد، فرم گلدان در دوره قاجار مزین‌تر است و کوچک‌تر و با ملحقات بیشتری ترسیم شده، و تنوع در فرم و رنگ گلدان مشهود است اما نمونه گلدان‌های دوره صفوی، ساده و بی‌تکلف است به‌نحوی‌که اکثراً با پایه کوچک و بدون دسته نشان داده‌شده‌اند و تزئینات گلدان برخلاف نمونه‌های قاجاری کمتر شامل فرم گلدان می‌شود. در هر دو دوره گلدان آرایه‌ای است برای شروع رویش عناصر گیاهی متن فرش، تا اینکه به‌تنهایی تزئینی و مستقل باشد. همچنین گلدان به عنوان آرایه‌ی تزئینی ثانوی، در متن طرح‌های دیگر همچون محرابی درختی و یا ستون‌دار نیز استفاده شده است.

جدول ۱۱. تطبیق آرایه گلدان در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

دوره صفوی			
	نمونه ۱۸ از جدول ۱۴	نمونه ۵ از جدول ۱۴	نمونه ۶ از جدول ۱۴
دوره قاجار			
	نمونه ۲ از جدول ۱۵	نمونه ۱۴ از جدول ۱۵	نمونه ۱۶ از جدول ۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

درخت

نماد درخت یکی از پایدارترین نمادهایی است که از ابتدای تمدن بشری مورد توجه و استفاده بوده است چرا که ماهیت سرسبزی، حیات و برکت همواره جزئی تفکیک‌ناپذیر از آن بوده است. در فرهنگ اسلامی درخت مظهر رحمت الهی و روحانی است. نقش درخت در مکان محراب، از موارد گزینش آگاهانه این نماد توسط هنرمند مسلمان در معنا و شکل جدید در دوران اسلامی است (شجاع‌نوری، ۱۳۸۵: ۶۵). به همان شکل که گیاهان و درختان متنوع و متفاوتند، تصویرگری این رستنی‌ها بر روی فرش‌های ایرانی از تنوع خاصی برخوردار است. نظر به اینکه اعتقاد به بهشت ازلی و فردوس برین اندیشه‌ای بنیادین و اصیل در تمدن ایرانی است، بازتاب این تفکر در طرح‌های فرش‌های ایرانی آشکار است و از آنجا که بهشت دارای درخت ازلی ابدی است، نقش درخت زندگی جاودانه نیز بر فردوس‌های مصور بر زمینه فرش‌های ایرانی ابدی و ازلی است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۶۱۲). آرایه درخت در دوره‌های مختلف مورد توجه هنرمندان طراح بوده است

و تجلی آن در گونه‌های مختلف طرح بر فرش دیده می‌شود. در هر دو دوره صفوی و قاجار استفاده از آرایه درخت در طرح‌های محرابی نمود داشته است. تطبیق نمونه‌های درخت از این دو دوره حاکی از این است که تنوع نوع و فرم درخت در دوره قاجار بیش از صفوی است. گونه‌هایی چون درخت سرو، بید، چنار، درختان میوه و درختان همیشه‌بهار در متن فرش‌های محرابی قاجاری نقش بسته است. لیکن نمونه‌های صفوی بیشتر شامل درختانی با گل و برگ و شاخه و میوه‌اند. درخت در فرش محرابی صفوی همچون بوته‌ای پرکار است که به‌صورت مجموعه دو یا سه‌تایی نقش شده و معمولاً به صورت قرینه طولی در متن محراب تکرار شده است و این الگو در اکثر نمونه‌های مورد تحقیق مصداق دارد. و این الگو در اکثر نمونه‌های مورد تحقیق مصداق دارد. اما نمونه‌های محرابی درختی قاجاری بیشتر شامل تک‌درختی است مزین که طبیعت‌گرایانه ترسیم شده و بر شاخه‌های آن پرندگانی نشسته‌اند. تک‌درخت سرو نیز در تعداد زیادی از فرش‌های محرابی قاجاری دیده می‌شود. برخی نمونه‌ها نیز شامل ترسیم هندسی درختان به صورت تک یا گروهی است.

جدول ۱۲. تطبیق آرایه درخت در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

دوره صفوی	 نمونه ۶ از جدول ۱۴	 نمونه ۱۸ از جدول ۱۴	 نمونه ۲ از جدول ۱۴	 نمونه ۱۰ از جدول ۱۴
دوره قاجار	 نمونه ۱ از جدول ۱۵	 نمونه ۳ از جدول ۱۵	 نمونه ۵ از جدول ۱۵	 نمونه ۴ از جدول ۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

قندیل

نقش قندیل که در برخی از فرش‌های صفوی و قاجار دیده می‌شود، احتمالاً برگرفته از چراغ قندیلی است که در جلوی محراب آویخته شده و مفهومی نمادین دارد. این نقش می‌تواند نماد تمثیلی از آیات کریمه قرآن باشد یا می‌تواند معنای مجسم مشکات باشد که در آیه ۳۵ سوره نور[۱] آمده است.

قندیل آویخته و مزین، گاهی عنصر اصلی مکمل متن در نمونه‌های محرابی ستون‌دار دوره قاجار است و ترکیب قندیل و ستون، طرح کامل‌تری را به وجود آورده است. فرم قندیل در نمونه‌های قاجار معمولاً آراسته و پرکار است و گاهی تداعی‌گر فرم گلدانی پرگل و مزین است. اما در نمونه‌های صفوی فرمی کارکردگرا دارد و بیشتر چراغ قندیل را مجسم می‌کند.

---

۱ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِى زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّىٌّ.خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد. آن چراغ در میان شیشه‌ای و آن شیشه همچون ستاره‌ای تابان و درخشان (نور. ۳۵).

جدول ۱۳. تطبیق آرایه قندیل در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

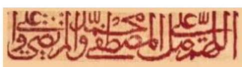
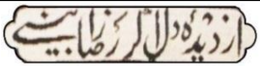
دوره صفوی			
	نمونه ۱۲ از جدول ۱۴	نمونه ۱۵ از جدول ۱۴	نمونه ۱۷ از جدول ۱۴
دوره قاجار			
	نمونه ۲۱ از جدول ۱۵	نمونه ۱۷ از جدول ۱۵	نمونه ۱۴ از جدول ۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

کتیبه و نوشتار

در فرش‌های محرابی، به خصوص نمونه‌های محرابی کتیبه‌ای، از اسماء الله، آیات قرآنی، احادیث و روایات در کتیبه‌ها استفاده شده است. محل جای‌گیری کتیبه‌ها و نوشتار، نیمه بالایی فرش است و نوشتار در قالب کتیبه و یا به صورت مجزا قرار گرفته است. استفاده از کتیبه و نوشتار در فرش‌های هر دو دوره صفوی و قاجار کاربرد داشته است. در نمونه‌های صفوی نوع خط شامل انواع کوفی، نسخ، ثلث، نستعلیق و... است. در فرش‌های دوره قاجار، اشعار و عبارات فارسی به جای آیات و روایات عربی مورد استفاده قرار گرفت و گاهی فقط نام تولیدکننده و یا تاریخ بافت(یا هردو باهم) نوشته شده است. همچنین خط نستعلیق و انواع متداول‌تر، جایگزین خط نسخ، ثلث و کوفی در کتیبه‌ها شد.

جدول ۱۴. تطبیق خط(کتیبه) در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار

	کتیبه کوفی	کتیبه نسخ	کتیبه ثلث	کتیبه نستعلیق
دوره صفوی				
	نمونه ۶ از جدول ۱۴	نمونه ۱۰ از جدول ۱۴	نمونه ۱۸ از جدول ۱۴	نمونه۶ از جدول ۱۴
				
	نمونه ۱۷ از جدول ۱۴	نمونه ۱ از جدول ۱۴	نمونه ۱۸ از جدول ۱۴	نمونه ۲۱ از جدول ۱۴
دوره قاجار				 نمونه ۱۲ از جدول ۱۵ 
			نمونه ۷ از جدول ۱۵	نمونه ۱ از جدول ۱۵

(مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱۵. نمونه‌های فرش محرابی دوره صفوی

	تصویر	طرح	مشخصات		تصویر	طرح	مشخصات		تصویر	طرح	مشخصات
۱		محرابی کتیبه‌ای زربفت (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۷)	نیمه اول سده ۱۱ هجری ۱۰۹*۱۶۱ موزه متروپولیتن	۸		قالیچه محرابی جانمازی (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۳۷)	ربع اول سده ۱۲ هجری ۹۹*۱۵۹ موزه فرش تهران	۱۵		محرابی قندیلی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۷۰)	اوایل سده ۱۱ هجری ۱۰۷*۱۶۰ موزه توپقاپی
۲		قالیچه محرابی گلدانی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۹)	سده ۱۱ هجری ۱۰۷*۱۶۰ موزه توپقاپی	۹		محرابی قاب قابی (Atlihan, 2011: 37)	سده ۱۰ هجری ۱۱۲*۱۷۳ موزه توپقاپی	۱۶		محرابی اسلیمی ماری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۶)	اواخر سده ۱۰ هجری ۱۱۰*۱۶۰ مجموعه برادران بکری
۳		قالیچه محرابی درختی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۹)	سده ۱۱هجری ۱۱۲*۱۶۰ موزه توپقاپی	۱۰		محرابی ترنجی **(Atlihan, 2011: 37)**	سده ۱۰ هجری ۱۱۹*۱۶۹ موزه توپقاپی	۱۷		محرابی گل‌دار با خط کوفی (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷)	ربع اول سده ۱۲ هجری ۱۰۵*۱۴۱ موزه فرش تهران
۴		قالیچه محرابی درختی **(Eiland, 1999: 99)**	اواخر سده ۱۰هجری ۱۱۸*۱۷۴ موزه فرش مشهد	۱۱		قالیچه محرابی گل‌دار (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶)	سده ۱۱ هجری نامشخص موزه فرش تهران	۱۸		محرابی درختی (سالتینگ) **(Eiland, 1999: 47)**	سده ۱۱ هجری ۱۱۹*۱۷۳ مجموعه خصوصی
۵		قالیچه محرابی گلدانی **(Eiland, 1999: 102)**	سده ۱۱ هجری نامشخص نامشخص	۱۲		قالی محرابی قندیلی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۸)	سده ۱۱ هجری ۱۱۹*۱۵۷ موزه توپقاپی	۱۹		محرابی باغی (کمندلو، ۱۳۸۸: ۹)	اواسط سده ۱۱هجری ۱۱۱*۱۴۰ موزه فرش مشهد
۶		قالی محرابی گلدانی (Eiland, 1999: 104)	سده ۱۱ هجری ۱۱۲*۱۸۰ مجموعه خصوصی لندن	۱۳		قالیچه محرابی ترنج‌دار (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۸)	ربع سوم سده ۱۱ هجری ۱۰۸*۱۹۵ موزه ملی ایران	۲۰		محرابی گل‌دار (تختی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷)	سده ۱۱ هجری ۱۰۰*۱۳۱ موزه فرش مشهد
۷		محرابی اسلیمی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۵)	سده ۱۰ هجری ۱۰۷*۱۶۲ مجموعه پاراوینچی	۱۴		محرابی اسلیمی (Eiland, 1999: 88)	سده ۱۰ هجری ۱۰۲*۱۶۴ مجموعه خصوصی	۲۱		محرابی کتیبه‌ای (URL: 3)	سده ۱۲ هجری ۸۷*۱۲۴ موزه بروکلین

(مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱۶. نمونه‌های فرش محرابی دوره قاجار

	تصویر	طرح	مشخصات		تصویر	طرح	مشخصات		تصویر	طرح	مشخصات
۱		محرابی درختی (وندشعاری، ۱۳۹۳: ۵۵۲)	اواخر سده ۱۳ هجری ۱۲۹*۲۰۴ مجموعه خصوصی	۸		محرابی گلدانی (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰)	سده ۱۳ هجری نامشخص مجموعه خصوصی	۱۵		محرابی ستونی (قندیلی) (ژوله، ۱۳۹۲: ۱۸۶)	اواخر سده ۱۳ ۱۵۰*۱۹۸ مجموعه خصوصی
۲		محرابی گلدانی (دادگر، ۱۳۸۰: ۸۳)	سده ۱۳ هجری ۱۲۷*۱۸۲ موزه فرش تهران	۹		محرابی درختی محتشم (URL:4)	سده ۱۴ هجری نامشخص مجموعه خصوصی	۱۶		محرابی ستونی (ford, 2002: 136)	اواخر سده ۱۳ هجری ۱۳۱*۲۰۹ نامشخص
۳		محرابی درختی (وندشعاری، ۱۳۹۳: ۵۵۵)	سده ۱۳ هجری ۱۳۶*۲۰۲ موزه فرش تهران	۱۰		محرابی درختی (محرمات) (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸)	سده ۱۴ هجری نامشخص موزه فرش تهران	۱۷		محرابی قندیلی (صباغ پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴)	اواسط سده ۱۳ هجری ۱۵۲*۲۳۲ نامشخص
۴		محرابی درختی (دادگر، ۱۳۸۰: ۱۸)	سده ۱۳ هجری ۱۴۰*۲۳۶ موزه فرش تهران	۱۱		محرابی گل‌دار (صور اسرافیل، ۱۳۶۷: ۱۲۲)	سده ۱۴ هجری ۱۲۵*۲۴۳ موزه فرش تهران	۱۸		محرابی ستونی (قندیلی) (بصام و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۷)	سده ۱۳ هجری ۱۳۰*۱۸۶ مجموعه خصوصی
۵		محرابی هندسی بختیاری (Eiland, 1998: 64)	سده ۱۴ هجری ۱۵۰*۲۱۰ موزه متروپولیتن	۱۲		محرابی ترنج‌دار (کمندلو، ۱۳۸۸: ۱۳)	سده ۱۳هجری ۲۶۰*۳۴۵ موزه فرش مشهد	۱۹		محرابی ستونی (قندیلی) (www.sothebys.com)	سده ۱۴ هجری ۱۱۵*۱۷۲ گالری ساتبی لندن
۶		محرابی درختی (سروی) (کمندلو، ۱۳۸۸: ۱۰)	اواسط سده۱۴ هجری ۱۲۵*۲۴۳ موزه فرش مشهد	۱۳		محرابی هزارگل (صباغ پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴)	اواخر سده ۱۳ هجری ۱۳۰*۱۷۰ مجموعه خصوصی	۲۰		محرابی ستونی (بصام و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۰)	سده ۱۳ هجری ۱۳۲*۱۶۹ نامشخص
۷		محرابی کتیبه‌ای (sakhai ,2008: 110)	سده۱۳ هجری ۱۳۰*۲۰۴ موزه متروپولیتن	۱۴		محرابی گلدانی (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷)	سده ۱۳ هجری نامشخص نامشخص	۲۱		محرابی ستونی (قندیلی) (کمندلو، ۱۳۸۸: ۱۲)	سده ۱۴ هجری ۱۲۷*۱۹۷ موزه فرش مشهد

(مأخذ: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

طرح محرابی از گونه‌های اصلی طرح فرش ایران است که ریشه و منشأ آن به دوران کهن و آیین مهر بازمی‌گردد اما کاربرد آن با ماهیت متفاوت در دوران پس از اسلام نمود بیشتری داشته است. این طرح از دوره صفوی جایگاه مشخصی در هنر طرح‌پردازی فرش داشته است. نتایج به دست آمده از تحلیل، تطبیق و بررسی نمونه‌های برجای‌مانده از دوران صفوی و قاجار، نشان از وجود تشابه و تمایز در فرش دو دوران مذکور دارد. هرچند سیر تحول طراحی فرش در طول سده‌ها منجر به خلق گونه‌های جدید شده است اما سبک کلی فرش‌های محرابی از دوره صفوی تا قاجار تغییراتی در چهارچوب سبک فرش ایران داشته و نه ورای آن، و وجوه تشابه در فرش این دو دوره مشهود است. اما تمایز کلی را می‌توان در نوع و شکل محراب‌ها و بیشتر در تزئینات تکمیلی طرح یافت. ساختار کلی طرح‌های محرابی صفوی در دوره قاجار با وجود تنوع، همچنان حفظ شده است. همگام با حفظ ساختار، تنوع در فرم و شکل محراب‌ها و بیش از همه در تزئینات تکمیلی طرح در دوره قاجار مشهود است. ساختار طرح‌های محرابی دوره صفوی، ترکیبی از محراب‌های ساده و مشخص است همراه با عناصر تزئینی متن که شامل انواع نقش‌مایه‌های گیاهی و انتزاعی همچون ختایی، اسلیمی، گلدان و درخت است. عناصر غالب متن در طرح‌های محرابی صفوی، کتیبه‌هایی حاوی ادعیه، آیات و روایات هستند. در گونه‌های محرابی دوره قاجار، طرح‌های رایج محرابی دوره صفوی همچنان متداول است. ساختار کلی با تنوع در طرح و فرم و فراوانی بیشتر در نقش نمود دارد. علاوه بر عناصر متداول دوران صفوی، نقوش متنوع دیگری نیز در متن فرش‌های محرابی قاجار استفاده شده است. از تأکید بر کاربرد کتیبه و نوشتار در متن محرابی‌ها کاسته شده و موتیف‌های تازه‌تری جایگزین شده‌اند. گرایش‌های تزئینی و همچنین کاربرد عناصر جدید و نقوش تازه منجر به خلق طرح‌های محرابی متنوع و تزئینی‌تر در فرش‌های محرابی دوره قاجار شده است.

منابع

- اتیک، آنت.(۱۳۸۴). فرش‌های دوره قاجاریه. ترجمه ر. لعلی خمسه. زیر نظر احسان یار شاطر. تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران(بر اساس دائره‌المعارف ایرانیکا) تهران: نیلوفر.
- ادواردز، سیسل.(۱۳۸۶). قالی ایران.ترجمه مهین دخت صبا. تهران: فرهنگسرا.
- آذرپاد، حسن و حشمتی رضوی، فضل‌الله.(۱۳۷۲). فرش نامه ایران. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی(پژوهشگاه)
- بصام، سید جلال‌الدین؛ فرجو، محمدحسین و ذریه زهرا، سید امیر احمد.(۱۳۸۳). رویای بهشت، هنر قالی‌بافی ایران. به سفارش سازمان اتکا. تهران: انتشارات تا ۱۴.
- بورکهارت، تیتوس.(۱۳۸۷). مبانی هنر اسلامی. ترجمه امیر نصری، تهران: انتشارات حقیقت.
- پرهام، سیروس.(۱۳۷۱). دست‌بافت‌های عشایری و روستایی فارس. تهران: امیرکبیر
- پوپ، آرتور آپهام و فیلیس آکرمن.(۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. جلد ۶ و ۱۲. گروه مترجمان. ویرایش سیروس پرهام. تهران: علمی فرهنگی.
- پوپ، آرتور آپهام.(۱۳۸۷). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: بنگاه صفی علی شاه.
- تختی، مهلا؛ سامانیان، صمد و افهمی، رضا.(۱۳۸۸). بررسی و تحلیل هندسی فرش‌های محرابی دوره صفویه. فصلنامه علمی پژوهشی گلجام. شماره ۱۴. پاییز ۱۳۸۸.ص ۱۴۰-۱۲۵.
- تنهایی، انیس و خزایی، رضوان.(۱۳۸۸). انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه. دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی. شماره ۱۱، پائیز و زمستان۱۳۸۸. ص ۲۴-۷.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله.(۱۳۸۷). تاریخ فرش، سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران. تهران: سمت.
- حصوری، علی.(۱۳۸۹). مبانی طراحی سنتی در ایران. چاپ سوم. تهران: نشر چشمه.
- دادگر، لیلا.(۱۳۸۰). قالی‌های تصویری موزه فرش ایران. اداره کل آموزش. تهران: انتشارات و تولیدات فرهنگی.
- ژوله، تورج.(۱۳۸۱). پژوهشی بر فرش ایران. تهران: انتشارات یساولی.
- ژوله، تورج.(۱۳۹۲). شناخت فرش، برخی مبانی نظری و زیرساخت‌های فکری. تهران: انتشارات یساولی.
- شایسته فر، مهناز.(۱۳۸۴). کاربرد مفاهیم مذهبی در خط نگاره‌های قالی صفوی. دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی. سال دوم(۳). ص ۳۸-۲۵
- شجاع نوری، نیکو.(۱۳۸۵). درخت نقشی بر فرش رویی بر عرش. فصل‌نامه گلجام. شماره ۳. تابستان۱۳۸۵. ص۶۶-۵۱.
- صباغ پور آرانی، طیبه و شایسته فر، مهناز.(۱۳۸۸). بررسی طرح‌ها و نقوش قالی‌های قاجار موجود در موزه فرش ایران. فصلنامه علمی پژوهشی گلجام. شماره ۱۴. پائیز ۱۳۸۸. ص ۱۱۲-۸۹.
- صوراسرافیل، شیرین.(۱۳۶۷). فرش ایران: سیری در مراحل تکمیلی فرش: طراحی، رنگرزی، رفو. تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- کمندلو، حسین.(۱۳۸۸). نگاهی به قالی‌های محرابی موزه فرش آستان قدس رضوی و بررسی قالی هفت شهر عشق. فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره. شماره ۱۲. زمستان ۱۳۸۸. ص ۳۹-۱۸.

- فنایی، زهرا؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله؛ چیت‌سازیان، امیرحسین؛ شیرازی، علی‌اصغر و نادعلیان، احمد.(۱۳۹۲). بررسی و مقایسه قالی‌های محرابی صفوی و ترانسیلوانیایی با تأکید بر طرح، رنگ و نقش. مجله مطالعات هنر اسلامی. شماره ۱۹. پائیز و زمستان۱۳۹۲. ص۹۴-۷۳.
- وند شعاری، علی.(۱۳۹۳). تجلی مفاهیم و تفاسیر قرآنی در طرح قالی‌های محرابی درختی دوره قاجار. اولین کنگره‌ی بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. تهران: ۱۳۹۳.
- یار شاطر، احسان.(۱۳۸۴). تاریخ هنر و فرش‌بافی ایران (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا). تهران: نیلوفر.
- Atlihan, Serife (2011) End finishes of Topkapi palace museum prayer rugs” .Oriental carpet and textile studies (7th ICOC), pp33-42.
- Berinstain, Valerie (1996), Great carpets of the world. London: Thames and Hudson.
- Brend, Barbara (2005) Islamic Art, London: The museums press,
- Eiland, Murray. L (1999), Oriental Carpet and Textile Studies, California:International conference on Oriental carpets Danville. (Volume5), Part 2.
- Eiland, Murray L(1998). Oriental Rugs: A Complete Guide. Rev. 3rd ed. London.
- Ettinghausen, Richard(1974). Prayer Rugs. Washington: Textile Museum.
- Ford, P.R.J (2002) Oriental Carpet Design. London: Thames and Hudson.
- Milanesi, Enza (1999) The Carpet, London: I.B.Tauris Publishers
- Mondadori, Arnoldo (1993) The Bullfinch Guide to Carpets, Milan: Finch Press Book and Little Brown Company (INC)
- Rogers,J. M (2007) The Arts of Islam. Sydney: Art Gallery NSW.
- Sakhai,Essie (2008) Persian rugs and carpets, the fabric of life. London.
- Train, John (1997) Oriental Rug Symbols. London: Philip Wilson
- URL1: www.sothebys.com (2015.10.1 18:30)
- URL2:www.Christies.com (2016.5.11 19:00)
- URL3:www.brooklynmuseum.org (BMA, 3MZT8, 5B 2016.9.30 18:30)
- URL4:www.jozan.net (2016.3.2 12:30)